نیروی دریایی اسرائیل در امتداد تقابل با ترکیه، به حالت آماده‌باش درآمد؛

آنکارا–تل‌آویو، از رقابت در سوریه تا صف‌آرایی در مدیترانه

رامین پرتو

تقابل ترکیه و اسرائیل که طی هفته‌های اخیر از سطح اختلافات سیاسی فراتر رفته، اکنون به مرحله‌ای رسیده است که احتمال رویارویی نظامی، به‌ویژه در شرق مدیترانه و سوریه، جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود. افزایش تحرک شناورهای دو طرف، تشدید اظهارات مقام‌های سیاسی و امنیتی و همزمانی این روند با تعمیق همکاری دفاعی اسرائیل و یونان، نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک رقابت امنیتی پیچیده است؛ رقابتی که ریشه اصلی آن را باید در آینده سوریه، موازنه قدرت منطقه‌ای و تلاش دو طرف برای جلوگیری از تثبیت رقیب جست‌وجو کرد.

شرق مدیترانه؛ میدان تازه رقابت

شرق مدیترانه طی سال‌های اخیر از یک پهنه دریایی عادی به یکی از مهم‌ترین میدان‌های رقابت ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. انرژی، مسیرهای دریایی، ترتیبات امنیتی و نفوذ در سوریه و لبنان، بازیگران متعددی را در برابر یکدیگر قرار داده است. ترکیه در این میان با تکیه بر موقعیت جغرافیایی، نیروی دریایی، صنایع دفاعی و حضور نظامی در منطقه، می‌کوشد جایگاه خود را به‌عنوان قدرت تعیین‌کننده تثبیت کند. اسرائیل نیز که امنیت خود را وابسته به حفظ برتری نظامی و آزادی عمل در محیط پیرامونی می‌داند، افزایش نفوذ ترکیه را با نگرانی دنبال می‌کند.

گزارش‌های مربوط به نزدیک شدن ناوهای ترکیه به شناورهای اسرائیلی و مشخص کردن مسیر حرکت برخی کشتی‌ها، حتی اگر هنوز به درگیری منجر نشده باشد، از منظر نظامی اهمیت دارد؛ زیرا در محیطی مانند شرق مدیترانه، فاصله میان نمایش قدرت و حادثه ناخواسته بسیار کوتاه است. افزایش آمادگی نیروی دریایی اسرائیل نیز نشان می‌دهد تل‌آویو نمی‌خواهد در برابر گسترش حضور ترکیه غافلگیر شود.

اما ریشه این تقابل دریایی را نمی‌توان صرفاً در آب‌های مدیترانه جست‌وجو کرد. سوریه مهم‌ترین نقطه اتصال این منازعه است. پس از سقوط حکومت بشار اسد و کاهش نفوذ ایران، ترکیه توانست نفوذ خود را در سوریه افزایش دهد و از نیروها و ساختارهای سیاسی نزدیک به خود حمایت کند. هدف آنکارا ایجاد سوریه‌ای یکپارچه، باثبات و متمرکز است که بتواند مرزهای خود را کنترل کند و تهدیدهای ناشی از داعش و پ‌ک‌ک را مهار سازد. در مقابل، اسرائیل ترجیح می‌دهد سوریه از نظر نظامی ضعیف بماند و هیچ قدرت متخاصمی در نزدیکی جولان و مرزهای شمالی آن مستقر نشود.

در چنین شرایطی، آنچه زمانی تقابل غیرمستقیم اسرائیل و ایران در سوریه بود، به تدریج می‌تواند به رقابت مستقیم اسرائیل و ترکیه تبدیل شود. حمله اسرائیل به پایگاه ابوظهور و هشدارهای متقابل، این روند را آشکارتر کرد. تل‌آویو نگران است که حضور ترکیه در سوریه به ایجاد زیرساخت‌های نظامی، اطلاعاتی و لجستیکی دائمی منجر شود و آزادی عمل نیروی هوایی اسرائیل را محدود کند. آنکارا نیز هرگونه تلاش اسرائیل برای تحمیل یک نظم امنیتی یک‌جانبه بر سوریه را تهدیدی علیه منافع خود می‌بیند.

> **گزارش‌های مربوط به نزدیک شدن ناوهای ترکیه به شناورهای اسرائیلی و مشخص کردن مسیر حرکت برخی کشتی‌ها، حتی اگر هنوز به درگیری منجر نشده باشد، از منظر نظامی اهمیت دارد؛ زیرا در محیطی مانند شرق مدیترانه، فاصله میان نمایش قدرت و حادثه ناخواسته بسیار کوتاه است**

پیمان مکه؛ آیا ترکیه تنها می‌ماند؟

در چنین فضایی، پیمان دفاعی مشترک مکه میان ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. توافق هفتم اوت، حمله مسلحانه به یکی از اعضا را حمله به هر سه طرف تلقی می‌کند و از این جهت به منطق دفاع جمعی پیمان ناتو شباهت دارد. با این حال، نباید از این شباهت نتیجه گرفت که در صورت درگیری اسرائیل و ترکیه، عربستان و پاکستان الزاماً وارد جنگ خواهند شد.

نخستین نکته این است که متن کامل توافق منتشر نشده و دامنه دقیق تعهدات عملیاتی آن روشن نیست. دوم اینکه منافع سه عضو در قبال اسرائیل، آمریکا، ایران و تحولات سوریه کاملاً یکسان نیست. عربستان سعودی اگرچه با اسرائیل اختلافات جدی دارد و از مسئله فلسطین و ثبات منطقه‌ای تأثیر می‌پذیرد، در عین حال ملاحظات اقتصادی و امنیتی گسترده‌ای دارد و احتمالاً از ورود به جنگی مستقیم که بتواند بازار انرژی و روابطش با واشنگتن را به خطر اندازد، پرهیز خواهد کرد. پاکستان نیز با وجود توان نظامی بالا و برخورداری از سلاح هسته‌ای، در فاصله جغرافیایی زیادی از مدیترانه قرار دارد و ورود مستقیم آن به جنگ با اسرائیل هزینه‌های سنگینی خواهد داشت.

از سوی دیگر، ترکیه تلاش می‌کند پیمان مکه را از یک توافق سه‌جانبه به چارچوبی گسترده‌تر تبدیل کند. پیشنهاد پیوستن مصر، در همین راستا اهمیت دارد. همکاری دفاعی مصر و ترکیه در ماه‌های اخیر افزایش یافته و رزمایش‌های مشترک و تفاهم‌نامه‌های نظامی، زمینه نزدیکی بیشتر دو کشور را فراهم کرده است. با این حال، پیوستن احتمالی مصر نیز به معنای تعهد خودکار به جنگ با اسرائیل نیست.

بنابراین اگر رویارویی محدود و کنترل‌شده باشد، محتمل‌ترین واکنش اعضای پیمان مکه حمایت سیاسی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و شاید لجستیکی از ترکیه خواهد بود، نه اعزام نیرو و ورود مستقیم به جنگ. تنها در صورتی که حمله به خاک ترکیه گسترده شود یا تهدیدی واقعی علیه بقای آن ایجاد کند، فشار برای اجرای تعهدات دفاع جمعی افزایش خواهد یافت. حتی در آن شرایط نیز نوع و میزان واکنش به تصمیم سیاسی هر کشور است.

> **اگر رویارویی اسرائیل و ترکیه محدود و کنترل‌شده باشد، محتمل‌ترین واکنش اعضای پیمان مکه حمایت سیاسی، اطلاعاتی، دیپلماتیک و شاید لجستیکی از ترکیه خواهد بود، نه اعزام نیرو و ورود مستقیم به جنگ و تنها در صورتی که حمله به خاک ترکیه گسترده شود یا تهدیدی واقعی علیه بقای آن ایجاد کند، فشار برای اجرای تعهدات دفاع جمعی افزایش خواهد یافت**

آمریکا میان ناتو و اسرائیل

پیچیده‌ترین بخش ماجرا به موضع ایالات متحده بازمی‌گردد. واشنگتن همزمان متحد راهبردی اسرائیل و رهبر اصلی ساختار ناتو است و ترکیه نیز یکی از مهم‌ترین اعضای این پیمان محسوب می‌شود. بنابراین جنگ مستقیم اسرائیل و ترکیه، برخلاف رویارویی اسرائیل با ایران، برای آمریکا یک انتخاب ساده میان دو طرف نیست؛ بلکه بحرانی است که می‌تواند ساختار امنیتی غرب را دچار شکاف کند.

ماده پنجم ناتو به‌طور خودکار به معنای ورود نظامی همه اعضا در هر حادثه‌ای نیست و نحوه واکنش بر اساس شرایط سیاسی و نظامی تعیین می‌شود. با این حال، حمله آشکار و عمدی به خاک ترکیه می‌تواند آمریکا و سایر اعضای ناتو را تحت فشار جدی قرار دهد. از همین رو واشنگتن احتمالاً تلاش خواهد کرد پیش از تبدیل حادثه به جنگ، کانال‌های ارتباطی و فشار دیپلماتیک را فعال کند.

موضع تام باراک، سفیر آمریکا در ترکیه، که حمله اسرائیل به فرودگاه سوریه نزدیک مرز ترکیه را محکوم کرد، نشانه‌ای از نگرانی واشنگتن درباره تبدیل رقابت دو متحد خود به بحران گسترده‌تر است. آمریکا نمی‌خواهد اسرائیل با ایجاد جبهه‌ای تازه در سوریه، ترکیه را به واکنش نظامی وادار کند؛ زیرا چنین سناریویی می‌تواند ناتو را با یکی از دشوارترین بحران‌های داخلی خود مواجه سازد.

با این حال، واشنگتن بعید است در صورت تشدید تنش، از اسرائیل فاصله بگیرد. حمایت سیاسی و امنیتی آمریکا از اسرائیل اهمیت دارد، اما این حمایت با تعهدات آمریکا در قبال ترکیه تعارض پیدا خواهد کرد. بنابراین راهبرد محتمل آمریکا، جلوگیری از جنگ، اعمال فشار بر اسرائیل برای محدود کردن عملیات در نزدیکی نیروهای ترکیه و همزمان ترغیب آنکارا به خویشتنداری خواهد بود.

در مجموع، احتمال یک جنگ تمام‌عیار میان ترکیه و اسرائیل در شرق مدیترانه یا سوریه همچنان پایین است، اما احتمال برخورد محدود، حادثه دریایی، رهگیری، حمله به مواضع نزدیک به نیروهای طرف مقابل یا درگیری نیابتی رو به افزایش است. دو کشور انگیزه‌های کافی برای رقابت دارند، اما هزینه‌های جنگ مستقیم نیز بسیار بالاست. ترکیه عضو ناتو و دارای ارتشی بزرگ و صنایع دفاعی پیشرفته است و اسرائیل نیز از برتری هوایی، توان اطلاعاتی و حمایت آمریکا برخوردار است. همین توازن پرهزینه، بازدارندگی متقابل ایجاد می‌کند.

خبر

افشای عملیات مخفی پنتاگون برای به‌کارگیری اینفلوئنسرها

منابع مطلع می‌گویند وزارت جنگ آمریکا چندین نظامی بازنشسته محافظه‌کار را که دارای دنبال‌کنندگان فراوانی در فضای مجازی هستند، بدون اعلام عمومی نقش‌شان، به سمت‌هایی در دولت منصوب کرده است. روزنامه واشنگتن‌پست در این باره گزارش داد: اسناد نشان داده است که این منصوبان دیدگاه‌های پیت هگست، وزیر جنگ را ترویج کرده و منتقدان دولت ترامپ را به چالش کشیده‌اند. افرادی که در جریان این اقدامات قرار دارند، می‌گویند دست‌کم برخی از این اینفلوئنسرهای نظامی به سمت‌های غیرنظامی گماشته شده‌اند که به‌طور بالقوه می‌توانند در سیاست‌گذاری تاثیرگذار باشند. منابع آگاه می‌گویند از جمله این افراد، راب منس، سرهنگ بازنشسته نیروی هوایی و کورت شلیشتر، سرهنگ بازنشسته ارتش ایالات متحده هستند. بررسی اسناد پنتاگون توسط واشنگتن پست نشان می‌دهد که هر دو دارای ایمیل فعال دولتی هستند و در دفتر آنتونی تاتا، معاون وزیر جنگ در امور نیروی انسانی و آمادگی، فعالیت می‌کنند. وجود پسوند «سی‌آی‌وی» برگرفته از واژه «غیرنظامی» (Civilian) در آدرس ایمیل آن‌ها نشان می‌دهد که به عنوان کارمندان غیرنظامی دولت آمریکا طبقه‌بندی می‌شوند، نه اعضای ارتش یا پیمانکاران. منس و شلیشتر پس از پایان خدمت نظامی، به اظهارنظر سیاسی محافظه‌کارانه روی آورده و مخاطبان زیادی در فضای مجازی جذب کرده‌اند. منس بیش از ۱۳۵ هزار دنبال‌کننده و شلیشتر نزدیک به ۶۲۰ هزار دنبال‌کننده در شبکه اجتماعی ایکس دارند. به گفته منابع مطلع و اسناد بررسی‌شده توسط واشنگتن‌پست، توماس اندرسون، سرهنگ بازنشسته دیگری که دنبال‌کنندگان زیادی در فضای مجازی دارد، نیز اوایل امسال در اسناد پنتاگون به عنوان کارمند غیرنظامی دفتر تاتا ثبت شده بود. اندرسون که وکیل است با نام مستعار «Cynical Publius» می‌نویسد و بیش از ۳۲۳ هزار دنبال‌کننده در ایکس دارد. با این حال، به گفته منابع آگاه، نام او تا اواخر هفته گذشته در اسناد پنتاگون دیده نمی‌شد. اگرچه پیشتر درباره انتصاب این سه نفر گزارشی منتشر نشده بود اما ارتباط احتمالی آن‌ها با پنتاگون پرسش‌هایی را در فضای مجازی برانگیخته است. این افراد همچنین دیدگاه‌هایی همسو با هگست و دولت ترامپ ابراز کرده‌اند. منس ماه گذشته در مقاله‌ای خواستار برکناری کارمندان «غیروفادار» پنتاگون شد و در همین حال، شلیشتر در یادداشتی ترامپ را به خاطر رویارویی با ایران «قهرمان» خواند.

خبر

هشدار صدراعظم آلمان درباره عواقب پیروزی راست افراطی در انتخابات

فریدریش مرتس، صدراعظم آلمان با ابراز نگرانی شدید از نتایج نظرسنجی‌ها، هشدار داد که پیروزی احتمالی حزب راست‌افراطی «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) در انتخابات ایالتی «ساکسونی-آنهالت»، خسارات جبران‌ناپذیری به این منطقه واقع در شرق کشور وارد خواهد کرد. به گزارش روزنامه فرانسوی «لوفیگارو» و خبرگزاری فرانسه (AFP)، صدراعظم آلمان تاکید کرد که حزب متبوع وی از آخرین هفته کارزار انتخاباتی نهایت استفاده را خواهد کرد و «تمام تلاش خود را به کار خواهد بست» تا از تشکیل یک دولت محلی توسط راست‌گرایان افراطی ممانعت کند. بر اساس این گزارش، حزب اسلام‌ستیز و ضد مهاجرت آلترناتیو برای آلمان (AfD) که مواضعی نزدیک به دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا دارد، در نظرسنجی‌ها پیشتاز و ممکن است برای نخستین بار در تاریخ خود، دولت یک ایالت را به دست گیرد. مرتس در مصاحبه با شبکه تلویزیونی آ.اِرِدِ (ARD) اظهار داشت: نمی‌توانم تصور کنم سرمایه‌گذاران بین‌المللی تمایلی داشته باشند تا برای افتتاح یک کارخانه جدید، در کنار نخست‌وزیر ایالتی برخاسته از حزب AfD بایستند. وی با این حال افزود که تصمیم نهایی با رأی‌دهندگان است. در حال حاضر، ایالت ساکسونی-آنهالت توسط ائتلافی به رهبری حزب دموکرات مسیحی (CDU) در کنار احزاب سوسیال‌دموکرات (SPD) و لیبرال (FDP) اداره می‌شود. مرتس با اذعان به شرایط سخت حزب دموکرات مسیحی در این ایالت، تاکید کرد که حاکمیت و قابلیت اداره این منطقه به خطر افتاده است. آخرین نظرسنجی منتشر شده در روز جمعه، میزان آرای حزب دموکرات مسیحی را ۲۳ درصد و آرای حزب راست افراطی AfD را ۴۰ درصد نشان می‌دهد. کارشناسان معتقدند به قدرت رسیدن حزب AfD در سطح ایالتی، اختیارات گسترده‌ای را در حوزه‌های حساسی چون بهداشت، آموزش و حتی سیاست‌های مهاجرتی و امنیتی به این جریان افراطی اعطا خواهد کرد. بنا بر گزارش رسانه‌های غربی، چنانچه این حزب نتواند اکثریت مطلق آرا را در این ایالت به دست آورد، حزب دموکرات مسیحی ناگزیر خواهد بود برای تشکیل دولت با احزاب چپ‌گرا نظیر سوسیال‌دموکرات‌ها و سبزها ائتلاف کند؛ سناریویی پیچیده که احتمالاً نیازمند حمایت حزب چپ رادیکال (Die Linke) خواهد بود؛ حزبی که دموکرات‌مسیحی‌ها پیش‌تر هرگونه همکاری با آن را رد کرده بودند.

اجلاس گروه ۲۰ زیر سایه کشمکش شمال و جنوب

مقام‌های ارشد اقتصادی گروه ۲۰ اقتصاد بزرگ جهان امروز و در حالی مذاکرات خود را به میزبانی آمریکا آغاز می‌کنند که حضور برخی از کشورهای غیرعضو و غیبت برخی از اعضا بر تلاش واشنگتن برای دستیابی به اجماع برای افزایش رشد جهانی اقتصاد سایه انداخته است. خبرگزاری فرانسه نوشت که گردهمایی وزیران دارایی و سران بانک‌های مرکزی گروه ۲۰ در شهر اشویل ایالت کارولینای شمالی برگزار می‌شود. به نوشته این خبرگزاری، پیامدهای جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، تشدید موانع تجاری واشنگتن و زیر سوال رفتن توانایی این گروه برای همکاری در رسیدگی به چالش‌های کلیدی اقتصادی بر این اجلاس سایه افکنده است. آمریکا در حالی ریاست دوره‌ای این گروه را بر عهده دارد که اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری، در نشست سال گذشته در آفریقای جنوبی شرکت نکرد و این کشور توسط آمریکا از گروه کنار گذاشته شد. در عوض، مقام‌های آمریکایی لهستان را که عضو گروه ۲۰ نیست، به رخداد جاری دعوت کرده‌اند. وزیر دارایی برزیل نیز در بحبوحه تنش‌ها با دولت ترامپ از شرکت در این گردهمایی خودداری کرده است. گفتنی است که نماینده‌ای از روسیه نیز در این نشست شرکت می‌کند. یک مقام اروپایی در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه از حضور نمایندگان روسیه به دلیل جنگ اوکراین، ابراز نارضایتی کرد. یک مقام ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا پیش از مذاکرات به خبرنگاران گفت که علاوه بر موضوع افزایش رشد اقتصادی، اولویت‌های آمریکا در سال جاری شامل رسیدگی به «عدم توازن جهانی» و چالش بدهی‌های دولتی است.

سازمان اطلاعاتی روسیه: اروپا به دنبال مداخله در انتخابات دوما است

دیمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز گذشته (دوشنبه) در اظهارنظری گفت که مبارزات انتخاباتی روسیه با سرعت در حال انجام است و تمایلات اروپا برای تحریک و مداخله در این انتخابات همواره وجود داشته و خواهد داشت؛ ما تجربه زیادی در این زمینه داریم. وی اظهار داشت: روسیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از هر گونه مداخله خارجی در انتخابات دوما انجام می‌دهد. سخنگوی کرملین در پاسخ به پرسش دیگری تأکید کرد: اینکه اروپایی‌ها نتایج انتخابات روسیه را به رسمیت بشناسند یا نه، برای ما کم‌اهمیت است. وی اظهار داشت: ما سیستم سیاسی خودمان را داریم، روند سیاسی خودمان را داریم و مبارزات انتخاباتی با سرعت کامل در حال انجام است. سرویس اطلاعات خارجی روسیه نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: اتحادیه اروپا و کشورهای پیشرو اروپایی در آستانه انتخابات دوما، راهبردی گسترده برای بی‌ثبات کردن اوضاع روسیه در پیش گرفته‌اند. به گزارش ریانووستی، در این بیانیه آمده است: اروپا درصدد جلوگیری از روند عادی انتخابات در روسیه و بی‌اعتبار کردن نتایج انتخابات است. این سازمان امنیتی روسیه با اشاره به افزایش حملات اوکراین در خاک روسیه در ماه جولای (تیر-مرداد ۱۴۰۵)، این اقدامات را به تحریک اروپا عنوان کرد. در این بیانیه آمده است: مقامات اطلاعاتی اروپایی در جریان سفر به اوکراین، انجام حملات سایبری به زیرساخت‌های انتخاباتی روسیه را بررسی کردند. این بیانیه می‌افزاید: اروپا به مخالفان روسی مستقر در خارج از کشور مأموریت داده است ادعاهایی را درباره غیرقانونی بودن انتخابات روسیه مطرح کنند و اپوزیسیون روسیه از اتحادیه اروپا ماموریت گرفته است تا جامعه بین‌المللی را به عدم به‌رسمیت شناختن نتایج انتخابات فرابخوانند.

جهان نما

تحلیلگر فایننشال تایمز پاسخ داد؛

چرا طالبان پیشنهاد یک تریلیون دلاری به ترامپ داد؟

طالبان افغانستان در اقدامی برای جلب نظر دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به این کشور پیشنهاد دسترسی به منابع معدنی افغانستان و سرمایه‌گذاری را داده است. این حرکت در راستای درخواست این گروه برای لغو تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده به منظور حمایت مالی انجام می‌شود.

روزنامه فایننشال تایمز با انتشار این مطلب گزارش داد: این تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری، پنج سال پس از بازگشت طالبان به قدرت و خروج نیروهای ناتو به رهبری آمریکا شدت یافته است-رویدادی که ترامپ پیشتر آن را «شرم‌آورترین لحظه در تاریخ» آمریکا خوانده است.

امیرخان متقی، وزیر خارجه طالبان در گفت‌وگو با این رسانه انگلیسی در پاسخ به سوالی درباره رابطه‌اش با دولت ترامپ گفت که افغانستان «قطعا» از سرمایه‌گذاری آمریکا در بخش‌هایی از جمله معدن، زیرساخت، کشاورزی و تجارت استقبال می‌کند.

او بدون توضیح این که آیا این پیشنهاد به طور مستقیم به کاخ سفید ارائه شده است، افزود: «روابط افغانستان و آمریکا نباید از دریچه ۲۰ سال جنگ گذشته ارزیابی شود، بلکه باید بر پایه همکاری آینده باشد. سیاست اقتصادی ما باز است.»

بر اساس بررسی‌های زمین‌شناسی انجام‌شده توسط آمریکا و دولت پیشین افغانستان که مورد حمایت غرب بود، ذخایر معدنی این کشور حداقل یک تریلیون دلار برآورد می‌شود که شامل مقادیر قابل توجهی مس، سنگ آهن، نیوبیوم، کبالت، طلا و لیتیوم است. با این حال، دهه‌ها جنگ، مانع از بهره‌برداری از این منابع شده است.

در ادامه این مطلب مطرح شد: طالبان از سال ۲۰۲۱ تا کنون بیش از ۷ میلیارد دلار قرارداد سرمایه‌گذاری معدنی با کشورهایی از جمله چین و ایران برای استخراج طلا، سنگ‌های قیمتی و کرومیت (مورد استفاده در فولادسازی) منعقد کرده است. اگرچه کارشناسان معتقدند که افغانستان از زمان پایان جنگ ناتو امن‌تر شده است، اما این کشور همچنان یکی از فقیرترین کشورهای جهان باقی مانده و بیش از ۱۴ میلیون نفر-حدود یک سوم جمعیت آن-با گرسنگی حاد دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

طالبان همچنین تفسیر سخت‌گیرانه‌ای از شریعت را اجرا کرده است که با محدودیت‌های شدید برای زنان و دختران در دسترسی به آموزش، کسب‌وکار و عرصه عمومی همراه است. سال گذشته، دیوان کیفری بین‌المللی به اتهام آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت، حکم بازداشت هیبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه را صادر کرد. کارشناسان سازمان ملل اوایل این ماه هشدار دادند «تا زمانی که پیشرفت قابل‌اندازه‌گیری در حوزه حقوق بشر، به‌ویژه برای زنان و دختران، حاصل نشود، هیچ اقدامی برای عادی‌سازی روابط با مقامات بالفعل طالبان، از جمله پذیرش دیپلمات‌ها یا برگزاری نشست‌ها در پایتخت‌ها، نباید انجام شود.»

دیپلمات‌های خارجی مقیم کابل گفتند که سرمایه‌گذاران احتمالی باید تحریم‌های سازمان ملل و غرب علیه مقامات ارشد طالبان، از جمله متقی که دهه‌ها در راس رهبری این گروه قرار داشته را مدنظر داشته باشند. آن‌ها همچنین نگرانی خود را ابراز کردند که جریان‌های مالی ممکن است این گروه را جسورتر کرده و اهرم‌های فشار برای تعدیل سیاست‌های سخت‌گیرانه‌اش را تضعیف کند.

در ادامه این مطلب مطرح شد: کابل در طی سال ۲۰۲۵ تا حدودی از انزوای دیپلماتیک خارج شده است. کشورهایی از جمله چین، هند، ایران، قطر و چندین کشور آسیای مرکزی از مقامات طالبان استقبال کرده یا کانال‌های ارتباطی گشوده‌اند. روسیه نیز که سال گذشته طالبان را به رسمیت شناخت، در ماه مه یک توافقنامه همکاری نظامی با این گروه امضا کرد.

اتحادیه اروپا در ماه ژوئن برای اولین بار میزبان مقامات طالبان در بروکسل بود تا درباره بازگشت احتمالی مهاجران گفت‌وگو کنند. مقامات آلمانی نیز پیشنهاد برگزاری نشست‌های مشابهی را مطرح کرده‌اند.

طالبان امیدوار است که این تلاش‌ها به لغو تحریم‌ها و آزادسازی دارایی‌های مسدودشده منجر شود که متقی استدلال کرد «به اهداف مورد نظر خود نرسیده است». بانک مرکزی افغانستان برآورد می‌کند که ۹.۵ میلیارد دلار از ذخایر این کشور در خارج از افغانستان باقی مانده که ۷ میلیارد دلار آن در آمریکاست.

متقی به فایننشال تایمز گفت: «هیچ فرد، دولت یا نهادی نباید از دارایی‌های مردم افغانستان به عنوان ابزاری برای فشار سیاسی استفاده کند». او افزود که کابل درباره دارایی‌های مسدودشده با دولت‌های مربوطه در حال گفت‌وگو است.

با این حال، ترامپ تمایل چندانی برای برقراری روابط نزدیک‌تر با طالبان نشان نداده و پیشنهاد بازگرداندن پایگاه هوایی بگرام در شمال کابل به کنترل آمریکا را مطرح کرده است-پیشنهادی که طالبان آن را رد کرده است.

متقی با گفتن این که «تمام تاسیسات نظامی و غیرنظامی در افغانستان، از جمله بگرام، دارایی ملی افغانستان است»، از کاخ سفید خواست که سفارت آمریکا را که در سال ۲۰۲۱ رها شده بود، بازگشایی کند، چراکه طالبان امنیت آن را تامین کرده است.

در این میان نگاه پاکستان به این روند چندان مثبت نیست؛ چراکه این کشور اساساً افغانستان را حوزه نفوذ سنتی خود می‌داند و در این روند سعی می‌کند تا به هر ترتیب که شده نگذارد مجدداً منافعش در کابل با مشکل و تهدید از سوی بازیگران خارجی روبرو شود.